

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نویسنده: پی یر توانیان
برگردان از: حمید محوی
۱۰ نومبر ۲۰۱۳

اسلام ترسائی : مذهب از دیدگاه واقعی مارکسیسم



«مذهب افیون توده ها است»، برای بسیاری موضوع رابطه مارکسیسم و مذهب به همین نقل قول از مارکس خلاصه می شود. «پی یر توانیان» استاد فلسفه و گرداننده سایت «واژه ها مهم هستند» (۱) در کتاب «نفرت از مذهب» (۲) نظریات قالبی را در رابطه با مارکسیسم و مذهب به شکل موشکافانه ای مورد بررسی قرار داده است. در اینجا «کانتن و انبیلن» (۳) با او مصاحبه می کند.



به چه دلیلی تصمیم گرفتید درباره موضوع مذهب بنویسید، این فکر از کجا به ذهن شما خطور کرد؟

پی بر توانیان : مسائلی را که من مطرح کردم قویاً به متن اجتماعی و سیاسی فرانسه مرتبط بوده است، یعنی جایی که در این دهه های اخیر موضوع نژاد پرستی بارها در اشکال اسلام ترسائی بازتعریف شده است. از سوی دیگر، این «نژاد پرستی اسلام ترسا» به فضاهای خاص چپ در اشکال «مذهب ترسائی» گسترش یافته است. از چندی پیش، در فضاهای چپ گفتارهای مظنون آمیز یا خصمانه علیه افرادی می شنیدیم که تمایلات مذهبی و خاصه اسلامی نشان می دادند.

این مذهب ترسائی در فرانسه به ویژه در مورد ماجرای «الهام موسعید» خود را نشان داد. الهام موسعید مبارز و نامزد انتخابات یک حزب چپ افراطی، حزب نوین ضد سرمایه داری (۴) بود که رو سری داشت. (یادداشت ناشر : الهام موسعید و به همین گونه حزب او به دلیل روسری او آماج حملات متعددی قرار گرفتند). این ماجرائی بود که به بیرون سرایت کرد، به نشریات، به جبهه راست و به همین گونه به برخی محافل چپ، و در عین حال در بطن حزب خود او انعکاس پیدا کرد، و حتی نزد رفقای او. فراخوان هائی برای «بازخوانی مارکس» صادر شد و آنها را به منحرف ساختن ایدئولوژی مارکسیسم متهم کردند.

علاوه بر این موضوع در عین حال می دیدم که در روزمره فضاهای مبارزان چپ، گفتار ضد مذهبی بیش از پیش مطرح می گردد. و این گفتار به ویژه به کشف مجدد مارکس انجامیده بود که برای حذف مسلمانان به خدمت می گرفتند. در نتیجه تصمیم گرفتم که این بیانیه ها را که در چهار چوب ماجرای حزب نوین ضد سرمایه داری و به طور کلی مذهب، دائماً به بازخوانی مارکس دعوت می کرد، مورد بررسی موشکافانه قرار دهم.

با این وجود مارکس مشخصاً نوشته و جمله او خیلی شناخته شده است «افیون توده ها»...

پی بر توانیان : البته، ولی متن را باید با دقت خواند. وقتی متن را می خوانیم، روشن است که او مستقیماً ضد مذهبی نیست، اگر چه تحلیل او از دیدگاه غیر مذهبی، ماتریالیست حرکت می کند، و تحلیل انتقادی در رابطه با مذهب را مطرح می کند. مارکس مذهب را به نقد می کشد، این درست است، ولی به عنوان مرحله ای ضروری، زیرا نقد مذهب یکی از موضوعات مهم برای چپی که آن را «هگلی» می نامیم دوران او بوده که مارکس این جریان را به عنوان یک جریان ایده آلیست تعریف می کند.

اگر متن را با دقت بخوانیم، او به ما می گوید که دیدگاه انتقادی در باب مذهب به شکل کاملاً منطقی به نقد جامعه می انجامد. از سوی دیگر، ضروری خواهد بود که یک بار دیگر به فرمول «افیون تودها» باز گردیم. افیون به معنای ماده تسکین دهنده درد است، این استعاره در بازی زبان انتقادی از مذهب در آن دوران بسیار رایج بوده و این جمله را مارکس اختراع نکرده است. در نتیجه استعاره می گوید که تسکین بخش درد است، یعنی التیام بخش درد در رویارویی با جهانی که انسان ها را به بدبختی دچار می سازد.

در نتیجه، مارکس می گوید، اگر می خواهیم مذهب را از بین ببریم - که در واقع آن را به مثابه توهم می داند - باید خوشبختی واقعی را جایگزین آن کنیم. بر این اساس است که نقد مذهب ضرورتاً به نقد اجتماعی می انجامد. به باور او مذهب موضوع اصلی نیست، موضوعی نیست که باید علیه آن مبارزه ایدئولوژیک یا سیاسی راه انداخت.

پس اگر به مارکس مراجعه کنیم، این مارکسیست هانی که روی عناصر مذهبی متمرکز می شوند در اشتباه هستند؟

پی بر توانیان : در واقع، برای درک این موضوع، باید به بنیاد نظری، از نقطه آغاز تفکر ماتریالیستی بازگردیم. ماتریالیسم چیست؟ پیش از همه روشی است برای درک جهان و واقعیت. اگر بخواهیم مارکس را تفسیر کنیم، می توانیم بگوئیم که از دیدگاه مارکس آگاهی تعیین کننده واقعیت نیست، بلکه واقعیت است که تعیین کننده آگاهی می باشد. چنین

امری به این معنا است که آنچه را که افراد انجام می دهند مهمتر از آن چیزی است که وقتی دست به عمل می زنند در ذهنشان دارند.

به شکل عینی، چنین امری به این معنا نیز هست که دیدگاه ایده آلیستی به ما می گوید که اعتقاد به خدا مستلزم قطع نظر از درک علمی و خردمندانه جهان، انطباق با وضعیت فرمانبرداری از قدرت حاکم، و پذیرش قضا و قدر در رویارویی با مسائل اجتماعی، و نفی برابری زن و مرد و غیره است.

در نتیجه، دیدگاه ماتریالیست آنچه را که در واقعیت وجود دارد مورد بررسی قرار می دهد و می بیند. و هر اندازه از دیدگاه نظری به من ثابت کنند که فردی که خیلی معتقد است و یکشنبه به کلیسا می رود و دوشنبه به سازماندهی اعتصاب می پردازد، ناممکن است، واقعیت آن را نفی می کند.

در کتاب، شما از لنین به عنوان نمونه ای از کاریست این تحلیل نام می برید. می توانید در این مورد توضیح دهید؟

پی یر توانیان : لنین خیلی به شکل عینی با این گونه مسائل ستراتیژیک و سازماندهی مبارزه و اتحاد و غیره روبه رو بوده است. و نقطه حرکت او به درستی پراگماتیسم ماتریالیست بوده است. پرسش عینی وقتی برای او مطرح گردید که می بایستی برای عضو کشیشان مسیحی نه تنها به عنوان عضو حزب بلکه به عنوان امکان نمایندگی او در انتخابات تصمیم بگیرد. لنین فکر می کرد که پاسخ نمی تواند مطلق باشد، و ابتداء باید پرسش های دیگری مطرح کرد: «آیا این فرد از برنامه و خط حزب دفاع می کند؟» اگر آری، او می تواند نمایندگی حزب را به عهده گیرد، و اگر نه، نمی تواند حزب را نمایندگی کند. به این معنا که اگر این فرد مذهبی از وضعیت و شعار حزب دفاع کند، مثل هر فرد دیگری می تواند نماینده حزب باشد. در نتیجه، لنین مسأله را به شکل خیلی ساده حل می کند و به باور او مشکلی وجود ندارد، و تنها رفتار، منش و گفتار و اتخاذ وضعیت واقعی حائز اهمیت است. باید منتظر بمانیم و ببینیم که افراد از چه چیزی دفاع می کنند تا داور کنیم، و این تنها شیوه ای است که کار بست آن می تواند به ما نشان دهد که فردی نماینده و مبارز خوبی برای حزب هست یا نیست.

مسأله مذهب، همان گونه که شما گفتید، غالباً پیرامون لانیسیته و روسری مطرح می شود. چرا این موضوع این همه موجب بحث و جدل می شود؟

پی یر توانیان : فکر می کنم که این موضوع نوعی شیوه بیانی و واکنش اخلاقی در بطن گروه حاکم یعنی بورژوازی سفید اروپائی است که بیشتر با دست پاچگی انجام می گیرد، و این گروه را در مقابل برخی فضاها اجتماعی با نوعی بحران هویتی دچار می سازد - مدرسه، دانشگاه، حرفه های تخصصی، جهان انجمن ها و جهان سیاسی... - که تقریباً فضاها مقدسی تلقی می شدند و برخی گروه های دیگر اجتماعی نباید به آن راه پیدا می کردند.

بر این اساس، این گروه های اجتماعی - که به طور کلی مهاجران فرا اروپائی یعنی غالباً سیاه، عرب، مسلمان... بودند - در فاصله با این فضاها انحصاری متوقف نگهداشته شده بودند بی آن که ضرورتاً رسماً و صراحتاً قانون منع برای این و آن مورد وجود داشته باشد. در واقع، تولید اجتماعی، تقسیم جامعه به طبقات، اقشار نژادی، وزن ایدئولوژی حذف فرهنگ ها و جذب اقلیت ها در اکثریت، موجب شده بود که زنانی که روسری به سر داشتند به این فضاها راه پیدا نکنند. راه یابی این گروه های اجتماعی به فضاهائی که تا پیش از این در انحصار گروه برگزیده بود، به عنوان نوعی بی حرمتی تلقی شد و سپس به کشف مجدد و انقلاب محافظه کاران در لانیسیته و فمینیسم و به همین گونه به بررسی مجدد آثار مارکس در رابطه با مذهب انجامید. محافظه کار زیرا طی ده ها سال، هر بار مطالبی را به مارکس، لانیسیته

و فمینیسم نسبت دادند که نگفته بوده اند. به عنوان مثال، به نام فمینیسم در های مدرسه را به روی دخترانی که روسری داشتند بستند.

این مفاهیم را به شیوه فرصت طلبانه با ابزارسازی آن برای توجیه اسلام ترسائی و نژاد پرستی منحرف کردند. بهترین شیوه تحلیل بازگشت این مفاهیم، با ابزار تحلیلی در بررسی نژاد پرستی است. اردوی تبلیغاتی ضد روسری، در جبهه ایدئولوژی رسمی در دموکراسی ما به پوشش مصنوعی و بزک نیاز داشت - لائیسیت، فمینیسم -مسأله ای که در واقع به نژادپرستی و فضای اسلام ترسائی باز می گردد که از چندین سال پیش ایجاد شده بود.

شما نمی ترسید که کتاب شما از سوی مبارزان چپ، وقتی موضوع نژاد پرستی را مطرح می کنید، بد تعبیر شود؟

پی بر توانیان : هدف از نوشتن این کتاب برای من جدی گرفتن حرفهای آنهاست که به چنین بسجی برای مراجعه به مارکسیسم حساسیت نشان می دهند. به باور من، این موضوع آنها را آگاهانه یا ناآگاهانه در تبنانی با منزوی کردن زنان روسری دار و به طور کلی مسلمانان می سازد.

من دلایل و برهان هائی را مورد انتقاد قرار دادم که مدعی مارکس است. بر این اساس نتیجه گرفتم که هیچ یک از دلایل و برهان ها، اگر به دقت به مسأله سازش پذیری طرح سیاسی چپ آزادیبخش، و افراد مذهبی نگاه کنیم، واقعاً اعتباری ندارد. من فکر می کنم که البته می تواند تضادهائی داشته باشد، ولی نمی توانیم بگوئیم که سازش ناپذیر است. بحث پیرامون مذهب در برخی موارد می تواند به اختلاف بین جبهه چپ بینجامد، ولی من فکر می کنم قطع نظر کردن از چنین موضوعی، باز گذاشتن راه برای پیروزی آنهاست که بین افرادی که حق بودن دارند و آنهاست که حق بودن از آنها سلب شده و حذف شده اند تفکیک قائل می شوند و این وضعیت را توجیه پذیر می دانند.

متأسفانه بیش از دو دهه است که شاهد گسترش و آزادی گفتار و خشونت نژادی هستیم که از سوی طبقات حاکم فعال شده است. باید دائماً علیه گفتار برگزیدگان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی که موجب حذف و ابلیس نمائی و تحریک ترس می شود مبارزه کنیم... با این وجود، خوشبختانه در اردوی مبارزان و در پیکره اجتماعی مقاومت وجود دارد. مسلمانان و غیر مسلمان ها در زمینه سیاسی دوشا دوش یک دیگر تلاش می کنند و در سطح اجتماعی نیز به دوستی هایشان ادامه می دهند و در همسایگی یکدیگر زندگی می کنند.

از سوی دیگر، حملات اسلام ترسائی، ولی به همچنین حمله علیه طبقات مردمی به طور کلی، علیه دست آوردهای اجتماعی، و غیره به اندازه ای گسترده و دائمی شده که برای مقابله باید به شکل فوری وارد کارزار شد. فوریت برای آن که بتوانیم به وحدت برسیم و جبهه متشکل و گسترده تری را برای آزادی و حقوق و به ویژه حقوق اجتماعی راه اندازی کنیم. من مشخصاً به عنوان مثال به نظام باننشستگی و بیمه های اجتماعی فکر می کنم.

در پایان کتاب، من یک شعر از آراگون را به نقل آورده ام که در دوران اشغال نازی ها نوشته شده که افراد مذهبی و غیر مذهبی را برای اتحاد در مبارزه علیه اشغال فرا می خواند.

«آن که به آسمان باور دارد/آن که به آسمان باور ندارد/وقتی که گندم زیر تگرگ است/دیوانه ظرافت بخرج می دهد/دیوانه به اختلافات فکر می کند/ در قلب مبارزه ای مشترک».

این قطعه به این معنا است که در رابطه با برخی وضعیت ها خطر به اندازه ای بزرگ است که مهم دانستن برخی اختلافات دیوانگی خواهد بود، به ویژه وقتی اختلافات به امور مذهبی مرتبط باشد. به باور من وضعیت کنونی، حتی اگر در حد اشغال نازی ها نباشد، ولی گندم زیر بارش تگرگ است.

ptb.be : Source

بی نوشت :

(^۱Les mots sont importants) www.lmsi.net(

(^۲La haine de la religion. Ed.La Découverte (7 mars 2013(

(^۳Quentin Vanbaelen

(^۴NPA.Nouveau Parti Anti-capitaliste

مقاله با همین مضمون در گاهنامه هنر و مبارزه

میشل شوسودوسکی : «ابلیس نمائی» مسلمانان و جنگ برای تصاحب نفت

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/70>

گاهنامه هنر و مبارزه

۸ نومبر ۲۰۱۳

منتشر شده در سایت انویستینگ آکسیون

به مدیریت میشل کولن

Investigation

<http://www.michelcollon.info/Interview-avec-Pierre-Tevanian-Le.html>